

زمینه‌های جامعه‌شناختی اسراف و تبذیر در نگاه آیات و روایات

محمد عیسی رحیمی^۱

چکیده

اسراف خارج شدن از اعتدال بدون این که چیزی را ضایع سازد؛ اما تبذیر به معنای ضایع نمودن اموال است. اسراف و تبذیر علاوه بر این، که موجب وابستگی و عدم استقلال مالی و سیاسی کشورها گردیده زمینه را برای تسلط بیگانگان نیز فراهم کرده است. یکی از مسائلی که در زندگی مردم شیوع پیدا کرده، اسراف و تبذیر در بخش‌های مختلف زندگی است. بررسی سبک زندگی مسلمانان به منظور تطبیق‌سازی آن با معیارهای زندگی بزرگان و معصومین جهت دستیابی به راهکارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی یکی از بحث‌های حیاتی جوامع اسلامی در شرایط معاصر است. این تحقیق کوشیده معضل یادشده را که به مسأله اجتماعی تبدیل گردیده است با استفاده از آیات و روایات با روش توصیفی تحلیلی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. یافته‌های به دست آمده بیانگر آن است که عوامل اجتماعی مختلف همچون: چشم و هم‌چشمی، عدم عاقبت‌اندیشی، تقلید و پیروی جاهلانه مردم از همدیگر، توجه به تجمل‌گرایی، استعمارگری و سیطره‌جویی نقش اساسی در ترویج اسراف و تبذیر در جامعه دارد. اسراف و تبذیر پیامدهای اجتماعی مختلف مانند کاهش تولید، وابستگی، اشاعه فحشاء و تباهی جامعه، ترویج و از بین رفتن ارزش‌های اسلامی و شکاف و نابرابری در جامعه شده است.

واژگان کلیدی: اسراف، مصرف، تبذیر، پیامدهای اجتماعی، عوامل.

مقدمه

خداوند از اسراف و زیاده‌روی در ابعاد و زوایای مختلفی همچون: مسائل مالی، اعتقادی، اخلاقی و تجاوز از حدود الهی، انسان‌ها را منع و عملکرد چنین انسان‌هایی را مورد سرزنش قرار داده است. زیرا، اسراف منجر به فساد، ستم‌کاری، کفر و انکار حق می‌گردد؛ چنان‌که خداوند در رابطه با فرعون می‌فرماید: ایشان از «اسراف‌کاران بود و هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناخت» (یونس، ۸۳) اگر به طغیان و سرکشی فرعون توجه شود به دست می‌آید که بخش عمده‌ی مشکلات اقتصادی یک کشور عدم درایت و تدبیر در مصارف فردی و اجتماعی آن کشور است.

اسراف بالای خانمان‌سوزی است که اگر افراد جامعه به آن مبتلا گردد سبب می‌شود آن جامعه استقلال و عزت خود را از دست بدهد و به‌طور همیشه سرسپرده و مطیع کشورهای قدرتمند و استعمارگر واقع شوند. گرچه اسراف و تبذیر ابعاد و زوایایی مختلف دارد، اما آنچه در این تحقیق مورد کنکاش قرار می‌گیرد اسراف در امر مالی و اقتصادی است. محقق می‌کوشد عوامل و پیامدهای اجتماعی اسراف و تبذیر را با تأکید بر بعد اقتصادی مسأله مورد ارزیابی علمی قرار دهد.

۱ مفهوم‌شناسی

۱-۱. اسراف

اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹، ماده سرف)، اغفال و تعدی است. در اصطلاح به همان معنای لغوی بر می‌گردد چنان‌که می‌نویسند: اسراف عبارت است از گذشتن از حد و اندازه و رعایت نکردن اعتدال در کارها، گزافه‌کاری کردن، درگذشتن از حد میانه (صفی‌پوری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۰)

اسراف عبارت است از خرج کردن چیزی در غیر محل خود، زیاده از حد لازم، ولی تبذیر خرج کردن چیزی است در غیر محل خود و در جای غیر لازم (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۲۸۲). آنچه که در این تحقیق ملاک است، اسراف و تجاوز از حد در امور مالی و زندگی روزمره است، فرقی نمی‌کند در امر لباس باشد، یا مصرف روزانه باشد یا در مسایل و کارهای خیر

مانند عروسی، یاد اموات و غیره. اما مفاهیم مانند جهل، غفلت، و خطا که بعضی‌ها در تعریف اسراف بیان داشتند در تعریف اسراف دخالت نداشته بلکه از عوامل اسراف می‌باشد.

۱-۲. تبذیر

«تبذیر» را در لغت پراکنده کردن معنی می‌کنند و معتقدند اصل آن به پاشیدن بذر و دور انداختن آن بر می‌گردد و در اصطلاح به کار کسی که مال خود را ضایع می‌کند تبذیر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۳-۱۱۴).

۱-۳. فرق اسراف و تبذیر

تبذیر تنها واژه اقتصادی است که به تلف کردن و ضایع نمودن مال اطلاق می‌شود؛ اما زیاده‌روی در انفاق‌های شخصی و امور خیر را شامل نمی‌شود. این کلمه از مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و در فساد، مصرف می‌کند. معادل آن در فارسی امروز «ریخت‌وپاش» است. به تعبیر دیگر تبذیر مصرف مال در غیر موردش است، هر چند کم باشد، اگر در موردش مصرف شود تبذیر نیست، هر چند زیاد باشد.

امام صادق^(ع) در پاسخ سوءال کننده‌ای می‌فرماید: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذِّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۰۲)، کسی که در غیر راه اطاعت فرمان خدا مالی انفاق کند، تبذیر کننده است و کسی که در راه خدا و مسیر خیر انفاق کند میانه‌رو است. در همین زمینه مرحوم طبرسی می‌فرماید: التبذیر: التفریق بالاسراف، و اصله أن یفرق کما یفرق البذر الا انه یختص بما یكون علی سبیل الافساد، و ماکان علی وجه إیصلاح لایسمی تبذیرا و ان کثر. (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۶۳۳). تبذیر یعنی پراکنده نمودن مال در راه فساد و کارهای غیر شرعی است اما اگر برای اصلاح و انجام کارهای خیر باشد به آن تبذیر اطلاق نمی‌شود.

بنابراین، اسراف عام و فراگیرتر و برگرنده همه موارد هد ردادن و زیاده‌روی در مصارف شخصی، خانوادگی و انفاق‌های مستحب می‌باشد. به این معنی که بین اسراف و تبذیر عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا هر تبذیر اسراف است ولی هر اسراف تبذیر نیست. پس اسراف خارج شدن از اعتدال است بدون آن که چیزی را ظاهراً ضایع کنند؛ مثلاً کسی غذای گران‌قیمت تهیه کند

که با قیمت آن می‌تواند عده زیادی را آبرومندانۀ تغذیه کند. در این جا تجاوز از حد اعتدال شده ولی ظاهراً چیزی نابود و ضایع نشده است؛ اما تبذیر آن است که چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع منجر شود؛ مثلاً برای دو نفر مهمان غذای ده نفر را تهیه کنیم.

۱-۴. مصرف

مصرف مصدر میمی اسم زمان و مکان است. از این رو، باید آن را به معنای خرج کردن و زمان و مکان خرج نمودن دانست، گرچه عرب‌ها برای رساندن این مفهوم بیشتر از تعبیر «استهلاک» استفاده می‌کنند. در اصطلاح مصرف عبارت است از ارزش پولی کالا و خدماتی که توسط افراد خریداری و تهیه می‌شود. (اخوی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱)

برخی دیگر گفته‌اند درآمد به دو منظور استفاده می‌شود. بخشی از آن، به انباشتن ثروت و پس‌انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر صرف تحصیل لذت می‌شود. قسمتی از درآمد که صرف به‌دست آوردن لذت می‌گردد مصرف نامیده می‌شود. (همان، ص ۲۴۷) پس مراد از مصرف مقدار پولی است که انسان صرف کارهای شخصی خود می‌کند. به تعبیری، محل و زمانی را که انسان در آن زمان و یا محل پولی را مصرف می‌کند مصرف می‌گویند و فرق آن با اسراف و تبذیر در آن است که در آن تجاوز از حد صورت می‌گیرد برخلاف مصرف که در آن تجاوز از حد وجود ندارد.

۲. ابعاد اسراف

۲-۱. اسراف در مواد غذایی

از جمله عوامل بقاء و حیات انسان آب و مواد غذایی است که اگر انسان می‌خواهد به حیات اجتماعی خود ادامه دهد باید از نظر غذایی و آب تأمین گردد. مواد غذایی و آبی از جمله منابعی کمیاب است و با توجه به رشد جمعیت، کمبود مواد غذایی و آبی هر روز بدتر و وخیم‌تر می‌شود. به همین دلیل انسان اگر می‌خواهد در برابر نسل‌های آینده و انسان‌های گرسنه موجود در جهان مسوئل نباشد، باید معیارها و الگوهای صحیح مصرف را رعایت نماید و از انداختن سرفه‌های پر زرق و برق، درست کردن چندین نوع غذا برای چند نفر و دور ریختن مواد غذای سالم پرهیز نماید.

چنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.» (الاعراف، ۳۱) دقت و تدبیر در این آیه این نکته را اثبات می‌کند که انسان طبعاً زیاده‌طلب، اسراف‌کار و متجاوز از حد است؛ به همین جهت خداوند برای کنترل انسان دستور به اعتدال و میانه‌روی داده است که خود می‌تواند انسان‌ها را در جهت‌های مختلفی مانند بهداشت، پس‌انداز و سرمایه‌های اقتصادی و دست‌گیری از نیازمندان کمک نماید؛ زیرا حرکت کردن به روال طبیعی برخاسته از دستورات شرع و شارع مقدس است که می‌فرماید: روزی‌های پاکیزه بر شما حرام نیست. «والطيب من الرزق» مراد از رزق‌های پاک چیزی است که ملایم با طبع و فطرت انسان باشد. پس انسان با اسراف خود را به دست نفس اماره می‌سپارد و انسان است که می‌خواهد در ظرفی زندگی کند که عالم هستی برایش معین نکرده و به راهی رود که شرع برایش تعیین ننموده است. (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۸، ۱۰۱)

۲-۲. اسراف در انفاق و صدقه

در جامعه انسان‌های مختلف زندگی می‌نمایند که ممکن است قدرت تأمین نیازمندی‌های زندگی خود را به جهت مشکلات طبیعی و غیرطبیعی نداشته باشند به همین جهت خداوند برای بیرون رفت از این مشکل و از بین بردن شکاف و طبقات اجتماعی راه‌حل‌های مختلفی مانند انفاق، صدقه، زکات و غیره را ... بیان کرده است؛ به همین خاطر هرکس به اندازه امکانات و توانمندی خویش وظیفه دارد که خلاءهای موجود در زندگانی افراد فقیر را جبران و به کمبودهای آنان پاسخ مثبت دهند.

خداوند هرکس را نسبت به فقر و دارایی‌شان امتحان می‌کند فقیر را با فقر و نداری و ثروتمند را با ثروت‌شان. انفاق و صدقه دامن‌های وسیع دارد مانند انفاق برای پدر، مادر، انفاق برای اموات، انفاق جهت ازدواج یک جوان و غیره. پس در اسلام سفارش به انفاق و صدقه شده است. براساس دستور شرع اگر انفاق و صدقه در کارهای خیر و نیکو انجام می‌شود نباید در آن اسراف و تبذیر صورت گیرد. چنان که می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالتَّحْلُ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» و اوست که باغ‌هایی [که

درختانش برافراشته] بر داربست و باغ‌هایی [که درختانش] بدون داربست [است] و درخت خرما و کشتزار با محصولات گوناگون و زیتون و انار شبیه به هم و بی‌شباهت به هم را پدید آورد. از میوه‌های آن‌ها هنگامی که میوه داد بخورید و حقّ [الهی] آن را روز دروکردنش [که به تهیدستان اختصاص داده شده] بپردازید و از اسراف [در خوردن و خرج کردن] پرهیزید که قطعاً خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (الانعام، ۱۴۱) در آیه دیگر می‌فرماید رعایت اعتدال در همه چیز لازم است، حتی در انفاق به نزدیکان اقوام و دوستان؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا» (الاسراء، ۲۵) و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا». (الاسراء، ۲۹). و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده بر جایمانی. از این آیات الهی به دست می‌آید که اسراف در کارهای خیر اگر موجب ملامتی انسان گردد غیر مجاز و نامطلوب خواهد بود.

۲-۳. اسراف در پوشاک، زینت و مسکن

زیباسپندی و توجه به حس زیبایی در کنار بعد روحی، یکی از اهداف اسلام و قرآن بوده است. خداوند به الهام و هدایت خود، انسان را از راه فطرت ملهم کرده تا انواع زینت‌های که مورد پسند جامعه و باعث مجذوب شدن دل‌ها به سوی اوست ایجاد نماید به این وسیله نفرت و تنفر مردم را از خود دور سازد که خود لازمه زندگی اجتماعی است. معلم غیبی از راء فطرتش به او الهام کرده تا به اصلاح مفاسد خود پردازد و معایب خود را برطرف ساخته خود را زینت دهد و این زینت از مهم‌ترین اموری است که اجتماع بشری بر آن اعتماد می‌کند. به همین جهت در اسلام استفاده از زیبایی‌های طبیعی، لباس‌های زیبا و متناسب، مسکن زیبا، انواع عطرها نه تنها مجاز شمرده شده، بلکه تأکید هم نموده است. چنان‌که می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا...» ای فرزندان آدم لباسی فرو فرستادیم که شما را می‌پوشاند.. (الاعراف، ۲۶) و در جای دیگر می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (الاعراف، ۳۱). زینت‌های خود را به هنگامی رفتن به مسجد با خود بردارید.

از توجه و دقت در این دو آیه به دست می‌آید که پوشیدن لباس زیبا و مناسب و زندگی کردن

در منزل مناسب بایسته است تا زمانی که انواع اسراف و تبذیر را در جامعه و زندگی مردم رقم نزنند؛ زیرا توجه به تجمل زیاد موجب تحریک شهوات، خودنمایی، تکبر، اسراف و تبذیر می‌گردد.

اگر صرفه‌جویی صورت گیرد بسیاری از مشکلات اجتماعی حل می‌گردد و مرهم‌های مؤثری بر زخم‌های جانکاه جامعه می‌گذارد؛ به همین جهت قرآن اسراف در مسکن را محکوم نموده است. «تَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» (الشعراء، ۱۲۸-۱۲۹) آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید و کاخ‌های استوار می‌گیرید به امید آن‌که جاودانه بمانید. از جنبه‌های دیگر اسراف مالی و اقتصادی اسراف در برق، گاز و اموال عمومی است که باید از اسراف و تبذیر در این موارد نیز خوداری نمود.

۳. عوامل اسراف

۳-۱. چشم‌وهم‌چشمی

یکی از عوامل اسراف و تبذیر در جامعه و زندگی اجتماعی چشم و هم‌چشمی است؛ زیرا انسان‌ها از نظر زندگی و درآمدهای حاصله از جامعه، یکسان نیستند، بلکه هرکدام در سطح مختلفی از درآمدها و زندگی اجتماعی قرار دارند و هر یک در طبقه و قشر خاصی از جامعه زندگی خود را سپری می‌نمایند.

بعد از این که انسان‌ها برای برآوردن نیازمندی‌های زندگی خویش ارتباط و رفت‌وآمد برقرار نمودند و متوجه شدند که زندگی تعدادی از انسان‌ها بالاتر هستند، زمینه کمبود، نقص، و حسرت و اندوه خود را فراهم کرده و صفت رضا را از خود سلب می‌نمایند؛ زیرا چنین انسان‌های جذب جلوه‌های مادی دیگران شده و در خود احساس کمبودی می‌نمایند. به همین خاطر برای جبران کمبودی‌ها و نقص‌های موجود تلاش می‌نمایند، تا از طریق روی آوردن به تجملات آن نقص‌ها و کمبودهای خود را به نحوی جبران نمایند و آنچه را به دست می‌آورند صرف وسایل تجملی و زینتی خود نمایند.

اگر جامعه کنونی افغانستان را مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم اکثر مصارف در عروسی‌ها و بزرگداشت اموات بر اساس چشم و هم‌چشمی می‌چرخد که خود زمینه‌ساز شوربختی و عقب

ماندگی جامعه می‌گردد؛ زیرا چنین ایده و تفکری باعث می‌گردد انسان‌های نادر و فقیر و حتی انسان‌های ثروتمند، روزی به‌سوی بدهکاری حرکت کرده و زمینه‌ی مشکلات روحی و روانی و تزلزل اجتماعی را برای جامعه و خانواده خود فراهم نمایند.

چنانکه یکی از روان‌شناسان می‌گوید: اگر چشم و هم‌چشمی در جامعه شیوع پیدا کند باعث تسلط روحیه رقابت ناسالم در جامعه می‌گردد؛ یعنی افرادی که از حیث امکانات مادی و معنوی دچار کمبودند، بدون در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی و خانوادگی خود به دنبال نیازهای غیرواقعی می‌روند و با اعتقاد بر این که اگر فلان مقام یا موقعیت را داشته باشم در جامعه مقبولیت بیشتری خواهم داشت، مرتباً اتومبیل یا وسایل منزل خود را ارتقا می‌دهند و به تدریج در تمام زمینه‌ها از قبیل مجالس مهمانی، مجالس عروسی و یاد اموات، معاشرت‌ها و رفت‌وآمدها حتی در انتخاب مسکن و وسایل زندگی تأثیر می‌گذارد. (سایت تبیان ۱۲-۸-۱۳۸۸).

به همین جهت خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (سوره طه/۱۳۱) «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (سوره حجر، ۸۸). هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آن‌ها داده‌ایم ميفکن که این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیا است و برای آن است که آنان را بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدار است. این دو آیه اگر چه مورد خطابش پیامبر رحمت می‌باشد، و لکن امت پیامبر را نیز شامل می‌شود و آن‌ها را از چشم دوختن به دنیای دیگران و ثروت ثروتمندان منع فرموده است.

۳-۲. نبود عاقبت‌اندیشی

یکی دیگر از عوامل اسراف و تجاوز از حد، توجه نکردن به عاقبت و آینده خود و جامعه و آثار سوء آن است؛ زیرا اگر انسان‌ها آینده خود و جامعه و اثر سوء آن را مورد غفلت و فراموشی قرار دهد و نسبت به آینده خود را جاهل و نادان بدانند، تمام آنچه را از منابع طبیعی با سعی و تلاش به‌دست می‌آورند، مصرف می‌نمایند. چنان‌که خداوند علت اسراف قوم لوط را جهل و نادانی دانسته و می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ.» (الاعراف، ۸۱) آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید نه زنان، شما جمعیت اسراف‌کار

و تجاوزگری هستید. در آیه دیگر می‌فرماید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (النمل، ۵۵) شما قوم جاهلی هستید. اگر این دو آیه را کنار هم قرار داده و مورد تحلیل قرار دهیم به دست می‌آید که عدم عاقبت‌اندیشی، جهل و نادانی منجر به اسراف و اسراف منجر به غوطه‌ور شدن در شهوت و دنیاپرستی می‌گردد که خود باعث سقوط خانواده و اجتماع می‌گردد؛ چنان‌که قوم لوط به جهت جهل و نادانی در منجلاب از شهوت غوطه‌ور و عذاب الهی دامن گیرشان گردید.

در روایات جهل و نادانی را باعث خروج از میانه‌روی و اعتدال دانسته و می‌فرماید: جهل باعث می‌گردد که انسان جنبه افراط و یا تقریط را در پیش گیرد. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «لَا [يَرَى الْجَاهِلُ] تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» نادانی را نمی‌بینی مگر تند رو و یا کندرو. (سید رضی، (۱۴۱۴)، حکمت ۷۰).

باز هم حضرت علی^(ع) در همین زمینه در نامه‌ی به زیاد ایشان را سفارش به عاقبت‌اندیشی نموده و فرموده است: ای زیاد اسراف را رها کن و میانه‌روی را در پیش گیر و از امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندی‌ات پیش فرست. «دع الاسراف مقتصدا، و اذكر في اليوم غدا، و أمسك من المال بقدر ضرورتك، و قدم الفضل ليوم حاجتك.» (همان، نامه ۲۱). پس یکی از عوامل اسراف و تبذیر جهل و نادانی و عدم عاقبت‌اندیشی است که حضرت علی^(ع) برای توجه دادن به آینده، زیاد و کل جوامع را برای بیرون رفت از این مشکل و معضل اجتماعی، دعوت به عاقبت‌اندیشی نموده است.

۳-۳. پیروی جاهلانه

یکی دیگر از علل و عوامل اسراف و تبذیر در جامعه و زندگی اجتماعی پیروی ناآگاهانه و تقلید کورکورانه یک جامعه از جامعه‌ی دیگر، افراد جامعه از همدیگر و یک فرد از فرد دیگر است. اگر جامعه‌های امروزی از جمله افغانستان را مورد مطالعه قرار دهیم این نکته به دست خواهد آمد که تقلید جاهلانه مراسم‌های مختلف را که باید بر معیارهای اسلامی به پایان برسد به یک مراسم مبتذل و اسراف‌گرایانه تبدیل کرده به‌طوری‌که خانواده خود و طرف را در بعضی از مواقع به دام فنا و نابودی و به مشکلات اقتصادی فراوانی دچار می‌نماید. به همین جهت قرآن مجید در موارد متعددی مسأله تأثیرپذیری، تقلید و پیروی کورکورانه‌ی که از روی تعصب‌های نامعقول و غیر منطقی انجام می‌شود، منع کرده است. چنانکه در سوره احزاب خداوند حال کفار و

دوزخیان را اشاره و بیان می‌دارد: «يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا.» (سوره احزاب، ۶۶-۶۷) روزی که چهره‌های‌شان را در آتش زیر و رو می‌کنند می‌گویند ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم و می‌گویند پروردگارا ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.

از این دو آیه به دست می‌آید که تقلید و مقلد بودن یک طایفه و یا یک جامعه ممکن است به اسراف و تبذیر بگراید و حتی باعث سقوط فرد و جامعه بگردد؛ زیرا معیار سیادت و بزرگی که در آیه طرح شده است همان معیار زور و قلدری و مال و ثروت است که بزرگان و کبراء جامعه به‌خاطر جایگاه و منزلت اجتماعی که دارند مصرف و زمینه‌ی اسراف و تبذیر را در جامعه فراهم کرده و باعث می‌شوند که بقیه اقشار با تقلید و پیروی به سوی اسراف و تبذیر روی آورند.

سخن ما در این مقوله بزرگان و کبراء هدایتگر و راه یافته‌های راهنما نیست که تقلید و پیروی از آنان حتی در صورت عدم پی بردن به فلسفه دستورات آنان، نه تنها مضر نیست که لازم و واجب می‌باشد، بلکه ملاک افرادی است که به خاطر زور، قدرت و تزویر بر قومی تسلط یافته و راه هدایت و حق را بر مردم بسته‌اند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۴۴۰)

به همین جهت حضرت علی^(ع) رهبران و حاکمان جامعه را سفارش کرده که اوضاع خودشان هم‌وزن فقراء جامعه قرار دهند؛ زیرا آن‌ها الگو و اسوه برای نوع مردم‌اند که مردم باید از رهبران و مدیران جامعه و نظام حاکم و حتی بزرگان قوم و جامعه الگو گرفته و نحوه زندگی و چگونه زیستن خود را بیاموزند، به دلیل این‌که وضعیت معیشتی طبقه حاکم، بزرگان قوم و منطقه، در معرض توجه و دید توده‌های مردم قرار دارد و طبقات مختلف اجتماع، سطح زندگی و میزان برخورداری خود از امکانات مادی را با اندازه و نوع مصرف مدیران جامعه مقایسه کرده و به شدت تحت تأثیر آن هستند. بدین جهت امیر مؤمنان^(ع) می‌فرمایند: خدای متعال بر رهبران صالح و عادل اجتماع واجب کرده است تا اوضاع - پوشاک و خوراک و مسکن و سایر نیازمندیهای - خود را هم‌وزن اقشار ضعیف مردم قرار دهند، تا تحمّل فقر و سختی معیشت برای‌شان آسان شود و از داشتن زندگی فقیرانه در خود احساس حقارت و شرم نداشته باشند. (همان، خطبه ۲۹۰)

تقلید چهره‌های مختلف دارد؛ به عنوان مثال کسی که الگوی مصرف خود را به‌خصوص در

آنچه در معرض دید مردم است؛ مانند نوع پوشش، وسیله نقلیه، منزل و لوازم زندگی، به ویژه وسایل و لوازم پذیرایی، بر اساس نوع و کیفیت مصرف دیگران قرار دهد و مبنای زندگی خود را بر پایه تبعیت از برخورداری‌های آنان بنا نهد چه بسا در بسیاری موارد خود را ملزم ببیند که پا از حد خویش فراتر بگذارد و از حدود اجتماعی و اقتصادی خود تجاوز نماید و به اسراف مبتلا شود.

این افراد نیز باید بدانند تفاوت‌های مادی، ملاک ارزش انسان‌ها نیست و اگر شخصی بخواهد بدون توجه به امکانات و درآمد زندگی‌اش، به قناعت و رضایت از آنچه خداوند به او داده پشت کند و به زندگی و وضع مادی دیگران چشم بدوزد، به طور یقین به دست خویش، راحتی و آسایش خاطر را از خود و خانواده‌اش سلب کرده، خود و آنان را در زحمت و رنجی بی پایان قرار خواهد داد؛ زیرا انسان هرچه، در برخورداری مسائل مادی پیش رود، بازهم کسانی هستند که سطح زندگی و امکانات آن‌ها از او بالاتر باشد و به همین جهت هیچ‌گاه چنین شخصی در زندگی به امنیت و اطمینان خاطر دست نخواهد یافت.

۳-۴. تجمل‌گرایی

برخوداری و نعمت فراوان گرچه از منظر اسلام ممنوع و مذموم نیست، اما اگر این ثروت و نعمت دنبال‌شان غرور و مستی باشد، موجب غوطه‌ور شدن در دام شهوت اسراف و تبذیر می‌گردد؛ زیرا رفاه و ثروت زیاد در صورتی ضعیف بودن ایمان و اخلاق، موجب طغیان و سرکشی می‌گردد و سبب می‌شود که برکات و نعمت‌های الهی از آن جامعه سلب شده و مردم آن جامعه دچار عذاب و هلاکت گردد.

به دلیل این‌که ارزش‌ها و ملاک‌های ارزیابی در این جامعه همان افکار و ارزش‌های خیالی و بی‌اساسی است که دنیاپرستان مغرور به آن تکیه نموده‌اند، چنان‌که خداوند در سوره سبأ در رابطه با کفار که در ناز و نعمت زندگی را سپری می‌کردند و تمام افکارشان مال و قدرت بودند می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که حتی اندازکنندگان و فرستادگان ما را انکار نمودند (و ما أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ) (سبأ، ۳۴) ما در هیچ شهری و دیاری پیامبری اندازکننده نفرستادیم مگر این‌که مترفین آن‌ها «همان‌های که مست ناز و نعمت هستند» گفتند: ما به آنچه شما فرستاده‌اید کافر هستیم (مکارم شیرازی و همکاران،

۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۱۰۴). دقت در این آیه و آیه‌های مربوط به این موضوع این نکته را به اثبات می‌رساند که تنعم وافر و ثروت زیاد در صورت ضعف ایمان باعث خودکامگی و رو آوردن به اسراف و تبذیر می‌گردد؛ به طوری که ممکن است منجر به انکار حق و فرستادگان حق گردد، بلکه چه بسا ممکن است هلاکت فرد و جامعه را به دنبال داشته باشد.

چنانکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا) (القصص، ۵۸)، چه بسیار شهرهای آباد و حاصل خیز که در معیشت خود طغیان کردند و ما هلاکشان کردیم. اگر جامعه امروز افغانستان را بررسی کرده و وارد لایه‌های زندگی مردم بشویم این نکته به دست خواهد آمد که رفاه و آسایش بعضی از اقشار جامعه منجر به اسراف و تبذیر بسیار می‌گردد؛ زیرا انسان‌های رفاه طلب حاضرند مراسم خورد و بزرگ خود را در تالارهای گزافی برگزار نمایند.

در یک گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرده که بیش از شصت درصد جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند و درآمد روزانه آن‌ها کمتر از (۵۰) افغانی (یک دلار) است. در یافته‌های این کمیسیون همچنان آمده است که بیشتر از نیمی از جمعیت افغانستان دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی ندارند و سی و هفت درصد نمی‌توانند غذای کافی برای خود تهیه کنند. در حالیکه در عروسی‌ها و دیگر مجالس هزینه‌های هنگفتی را صرف می‌کنند. حتی شماری از خانواده‌ها، با کرایه لموزین، ۴۰۰ دلار بابت «شهر گشت» شبانه عروس و داماد پرداخته کرده و مجالس بزرگی از لهو و لعب با رقاصان درجه یک کشور افغانستان همراه با هزینه بسیار گزاف برپا می‌نمایند.

در بسیاری از مناطق افغانستان خانواده‌ها دست کم چهار مجلس نامزدی، شیرینی خوری، عروسی و سپس تخت جمعی (پاتختی) پر زرق و برق را در سالن‌های گران قیمت شهر برگزار می‌کنند که به نوعی به رقابت و چشم و هم چشمی مبدل شده است. این رقابت‌ها باعث شده که عده زیادی از جوانان ما که توانایی پرداخت دست هزینه‌های دلاری را ندارند، از ازدواج و تشکیل خانواده محروم شوند، اما به این نکته توجه ندارند که ثروت متعلق به خداوند و خداوند آن را به عنوان امانت در اختیارشان قرار داده است؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ وَجَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً وَيَشْرَبُوا قَصْداً وَيَلْبَسُوا قَصْداً وَ

يَنْكَحُوا قَصْدًا يَرْكَبُوا قَصْدًا وَيُعَوِّدُوا بِمَا سَوَىٰ ذَٰلِكَ عَلَىٰ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَرْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَٰلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا وَيَشْرَبُ حَلَالًا وَيَرْكَبُ حَلَالًا وَيَنْكَحُ حَلَالًا وَمَنْ عَدَا ذَٰلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا ثُمَّ قَالَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۵۰۰)، ثروت متعلق به خداست و خداوند به عنوان امانت آن را در اختیار مردم قرار داده است و بارعایت میانه‌روی بر آنان مجاز شمرده که بخورند، بپوشند، ازدواج کنند و از وسایل نقلیه استفاده کنند. پس یکی از عوامل اسراف تنعم و برخورداری از نعمت‌های فراوان و زندگی اشرافی و رفاه‌زدگی است

۳-۵. سیطره‌جویی

تکبر، خودکامگی، استعمار و سیطره‌جویی از عوامل اسراف و تبذیر در زندگی اجتماعی است. کشورهای استعمارگر و سلطه‌طلب برای به دام کشیدن ملت‌ها تلاش دارند فرهنگ اسراف و تبذیر را در جامعه رواج دهند تا بتوانند از طریق وابسته نگهداشتن آنان به اهداف خود برسند. در تاریخ به اثبات رسیده است که استعمارگران، انسان‌های توانگر و اشرافی را با خود هم عقیده می‌کردند تا بتوانند ذهن و فکر آن‌ها را از طریق همنشین کردن با خود به‌سوی اسراف و تبذیر و زندگی مادی‌گرایانه سوق داده و از این طریق اسراف را در کل جامعه گسترش دهند. چنانکه فرعون برای استعمار و استثمار کردن قوم بنی اسرائیل هر نوع اسراف و زورگویی را در حق قوم بنی اسرائیل مجاز و قانونی می‌دانست و خود را خدا و حاکم مطلق آن‌ها اعلام نمود. قرآن کریم در سوره یونس می‌فرماید: «وَإِنْ فِرْعَوْنُ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس، ۸۳) همانا فرعون در زمین گردن‌کشی کرد و از اسراف‌پیشگان بود.

از قضیه فرعون در آیه شریفه به‌دست می‌آید که مستکبر و نظام استکبار برای دوام قدرت و سلطه خود و تسلیم نمودن مردم، حاکمیت خود را پر قدرت جلوه می‌دهد تا بتواند ثروت مردم را بلعیده و آن‌ها را به‌سوی کاخ‌سازی و تجملات رؤیایی و اسراف و تبذیرهای بی‌پایان تشویق نماید، به این عمل در جهت تحکیم موقعیت خود در بین مردم سخت احساس نیاز می‌کند. در قرآن کریم، آن جا که فرعون در مقام تثبیت حاکمیت خود و تضعیف حضرت موسی، به اظهار قدرت و امکانات خویش می‌پردازد، این چنین آمده است: «وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِّصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (آنا خیر من هذا الذی هو

مَهِينَ وَلَا يَكَاذِبِينَ» فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطِطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف، ۵۱-۵۴) و فرعون خطاب به مردم خود گفت: آیا پادشاهی مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر قصرهای من جاری است. این شکوه را مگر نمی‌بینید بی‌گمان من از این انسان ضعیف و بی‌مقدار که از بیان شیوا نیز بی‌بهره است، برترم؛ چرا او با دست‌بندهایی از طلا مزین نشده و یا فرشتگان پیوسته به هم، در جهت اظهار عظمت و همکاری با او فرود نیامده‌اند. بدین صورت، فرعون مردم خود را تحقیر کرد و خوار شمرد و در نتیجه، آنان نیز از او اطاعت کردند. آن‌ها گروهی خارج از قید عبودیت خدا بودند. بنابراین، ریشه روآوری طاغوتیان به اسراف و تبذیر همان روحیه استعمار و سیطره‌جویی حکام و سلاطین است؛ چنان‌که بسیاری از حکام و سلاطین کشورهای اسلامی به این صفت زشت گرفتارند. روزنامه اطلاعات مربوط به سال ۶۹ از شاه سابق عربستان گزارشی را از «آسوشیتدپرس در ۲۲ مارس ۱۹۹۰ منتشر کرده که قسمتی از آن را می‌خوانید:

شاه فهد که از سال ۱۹۸۲ بر تخت سلطنت نشسته است، طبق نظرات موجود، دومین ثروتمند جهان است. مجله فورچون دارایی او را در سال ۱۹۸۸ حدود ۱۸ میلیارد دلار بر آورد کرد. سلطان برونتی چند میلیارد دلار بیشتر دارد. فهد یک بوئینگ ۷۴۷ با دکوراسیونی بسیار تجملی دارد. و یک کشتی مسافری را که توسط موشک‌های ضد هوایی (استینگر) محافظت می‌شود و خانه‌های با شکوهی در اسپانیا، بریتانیا و فرانسه. زندگی خصوصی این پادشاه سیگاری را رمز و راز فرا گرفته؛ اما همین قدر معلوم است، وی در زمان جوانی اش شاهزاده فاسدی بوده که پاتوقش کلوپ‌های قمار اروپا بود. (روزنامه اطلاعات، ۱۱ تیرماه ۱۳۶۹ شماره ۱۹۰۸۱).

نتیجه‌گیری

در عصر کنونی اگر اسراف و تبذیر در پوشاک، مسکن، مسائل زینتی، انفاق، صدقه و مصرف مواد غذایی مسلمانان و کشورهای اسلامی جریان دارد و موجب محرومیت این مردم از برکات آسمانی و زمینی شده است برخواسته از فرهنگ غرب است. کشورهای غربی با اشاعه فرهنگ اسراف به دنبال آن است که این مردم را وابسته به خود نگه‌دارند تا بتوانند به اهداف سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها دست یابند.

همچنین بیان شد که اسراف تجاوز از حد در امور مالی و زندگی روز مره است، اما تبذیر به معنای ضایع ساختن مال و خرج نمودن آن در غیر موردش است. ترویج اسراف و تبذیر برخاسته از علل و عوامل مختلف مانند عوامل روانی، تربیتی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده عوامل اجتماعی اسراف و تبذیر است که از منظر آیات و روایات مورد کنکاش قرار گرفته و مشخص گردید عوامل اجتماعی مانند چشم و هم‌چشمی، تقلید جاهلانه، توجه به تجمل، استعمار و عدم عاقبت‌اندیشی از مواردی‌اند که موجب اسراف در جامعه می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

۱. اخوی، احمد، (۱۳۸۰)، اقتصاد کلان، تهران، بازرگانی، دوم.
۲. جوئل، شارون، (۱۳۷۹)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، دوم.
۳. دهخدا، علی اکبر دهخدا، (۱۳۷۹)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، اول.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دار القلم-الدار الشامیة، اول.
۵. ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، مترجم، حمید رضا درخشان، دارالحديث، هفتم.
۶. ژرژ، گوریچ، (۱۳۵۸)، مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، شرکت‌های سهامی، سوم.
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴)، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، محقق/مصحح: صالح، قم، هجرت، اول.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، اول.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۱۰. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۴۱۵)، مجمع البیان، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، نام کتاب: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار (ط-بیروت)، محقق/مصحح، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم.
۱۲. مصطفوی تبریزی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، تهران اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵،

۱۳. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران، گوه‌ر اندیشه، دارالکتب الاسلامیه، چهاردهم.

۱۴. یان، رابرتسون (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد، دوم.